قدس زندگی
ادب و هنر
ویژه اختتامیه چهاردهمین دوره جشنواره شعر فجر
۱۲ دوشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۹۸
۸ جمادی الثانی ۱۴۴۱ | ۳ فوریه ۲۰۲۰ | سال سی و سوم | شماره ۹۱۷۶

گفت‌وگو با برگزیده بخش «شعر بزرگسال» چهاردهمین دوره جشنواره شعر فجر

زندگی می‌کنم تا برای شعرهایم سوژه پیدا کنم

ادب و هنر / خدیجه زمانیان | شنبه‌گذشته چهاردهمین دوره جشنواره شعرفجر به پایان رسید. این جشنواره در بخش شعر بزرگسال دو اثر «به رنگ دانوب» سروده واهه آرمن و «را را» سروده پانته‌آ صفایی را به عنوان آثار برگزیده این بخش معرفی کرد.

در صفحه امروز به سراغ یکی از برگزیده‌های بخش بزرگسال رفتیم و پای صحبت‌های او نشستیم.

واهه آرمن، شاعر و نویسنده ارمنی- ایرانی است .او متولد سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰ میلادی) شهر مشهد است. در جوانی به خاطر یک تصادف خودرو توان راه رفتن خود را از دست داد، اما این حادثه موجب شد تمام زندگی خود را وقف ادبیات کند و حاصل این زندگی پربار مجموعه شعرها و ترجمه‌های اوست که با استقبال ادب‌دوستان ایرانی روبه‌رو شده است.

دو مجموعه شعر نخست واهه آرمن با عنوان‌های «به سوی آغاز» و «جیغ» به زبان ارمنی نوشته شده بودند، اما پس از آن او به تدریج از طریق ترجمه‌هایش به فارسی و سپس نگارش شعر به این زبان، زبان ادبی خود را تغییر داد.

«به رنگ دانوب» هفتمین مجموعه شعر آرمن به زبان‌فارسی است.

«بال‌هایش را کنار شعرم جا گذاشت و رفت»، «پس از عبور درناها»، «باران بگیرد، می‌رویم»، «دوست دارم گاهی شاعر نباشم»، «اسب‌ها در خواب شاعران را سواری می‌دهند» و « جان‌های شیفته» که دو سال پیش نامزد جشنواره شعرفجر شده بود، آثار این شاعر هستند که پیش از این منتشر شده‌اند.

گفت‌وگوی ما را با واهه آرمن پیرامون جشنواره‌ای که برگزیده آن شده، شعر و دنیای شاعرانه‌اش بخوانید.

◆ از برگزیده شدن در جشنواره شعر فجر چه حسی داشتید؟

تا امروز شخصاً در هیچ جشنواره‌ای شرکت نکردم و کتابی به جشنواره‌ای نفرستادم، چون هوش و حواس من به نوشتن است. نمی‌دانستم کتاب من جزو نامزدها شده، تا روزی که به من خبر دادند و همان شب اختتامیه مطلع شدم اثرم با اثر خانم صفایی برگزیده شده است. این انتخاب حتماً برای شاعر خوشحال‌کننده است و به او انگیزه می‌دهد به‌خصوص این جشنواره که بزرگ‌ترین و معتبرترین جشنواره ادبی شعر است، چون در کشور ما شاعر از فروش کتاب و یا نوشتن درآمد چندانی ندارد و این اتفاق‌ها به او انگیزه می‌دهد و اگر شاعر جوان باشد، حتماً بر مسیر شعری او مؤثر است. در خارج از کشور کسی که نویسنده است از یک پزشک بیشتر درآمد دارد، اما اینجا فرق دارد و دل ما به چیزهای دیگری خوش است که همین‌ها ارزشمند است و این دلخوشی‌ها از جوانان شاعر نباید گرفته شود.

◆ به عنوان شاعری که فقط به خلق اثر فکر می‌کنید و از حاشیه‌ها دوری کرده‌اید، برگزاری جشنواره شعرفجر را بر جریان شعری کشور مؤثر می‌دانید؟

به اعتقاد من هر جشنواره هنری بیش از آنکه محل آزمون شاعران و هنرمندان باشد، محلی برای سنجش سلیقه داوران آن جشنواره و توانایی درک و دریافت ظرایف هنری و دانش زیبایی‌شناسی آن‌هاست. در این جشنواره‌ها فقط شاعر محل آزمون قرار نمی‌گیرد حتی داورانی که آنجا نشسته‌اند، امتحان پس می‌دهند و نتایج نشان می‌دهد داور چقدر نگران جریان شعر بوده و بر چه اساسی آثار را داوری کرده است. همان‌طور که گفتید همه حواس من به نوشتن است و همیشه از حاشیه‌ها گریزان بوده‌ام و حاشیه‌هایی که برای این جشنواره ایجاد شد، برایم جالب بود.

جشنواره‌های خصوصی که در حوزه شعر فعالیت می‌کنند، کم نیستند . هر کدام از این جشنواره‌ها به باند و طیف خاصی مرتبط هستند. هرکس طرفداران خودش را جمع کرده و جشنواره راه انداخته، داوران نزدیک به تفکر خودشان را به خدمت گرفته‌اند و برگزیدگان هم شاگردان آن‌ها هستند. به هر حال باید در این موارد بازنگری شود و شاعر وقتی در جشنواره‌ای شرکت می‌کند که مطمئن باشد داوری‌ها منصفانه و به دور از غرض‌شخصی است.

نمی‌دانم چرا من همه این سال‌ها فراموش شده بودم، شاید چون مسیحی و ارمنی هستم. این‌قدر نادیده گرفته شدم که ایرانی بودنم را فراموش کردم. در حالی که در مشهد متولد شدم و تا ۱۸سالگی در مشهد بودم، اما خیلی جاها احساس کردم در مورد من تبعیض قائل می‌شوند، اما این انتخاب من را خوشحال کرد.

◆ واکنش شما نسبت به انصراف شاعران و حاشیه‌های ایجاد شده برای این دوره از جشنواره چه بود؟

نمی‌دانم برای چه عده‌ای شاعر از حضور در جشنواره انصراف داده‌اند آن هم وقتی هنوز مشخص نیست کتاب آن‌ها به مرحله داوری راه پیدا کرده یا نه. آیا این شاعران که تا امروز در جشنواره‌ها شرکت می‌کردند، سکه و وام‌مسکن و ماشین می‌گرفتند، اوضاع را بر وفق مرادشان می‌دیدند و یا مسئولان فرهنگی ما آدم‌های بدی هستند؟ چرا شاعران به هم خرده گرفتند و هم را متهم کردند که در جشنواره حاضر شده‌اند؟ چرا هیچ‌وقت از ورزشکاران نخواسته‌ایم انصراف دهند. از شبی که اختتامیه جشنواره شعرفجر همزمان با مسابقات فوتبال استقلال و پیروزی برگزار شد، کدام شبکه رادیو و یا تلویزیون به این اتفاق مهم فرهنگی اشاره کرده، اما شخص من از ساعت ۱۶شنبه تا ساعت ۲۴، بیش از ۴۰ بار خبر پیروزی استقلال و پیروزی را با جزئیات شنیدم.

آیا فوتبالیست‌ها، مربی‌ها و سرپرست‌های تیم‌ها نباید اعتراض کنند و انصراف دهند و فقط اهالی ادب و فرهنگ برای ابراز همدلی باید از جشنواره‌ها و میادین ادبی کنار بکشند؟ چرا درباره کار فرهنگی این‌طور قضاوت می‌شود و چرا شاعران با شعر و اتفاق‌های فرهنگی این‌طور برخورد می‌کنند؟ البته انصراف‌دادن وسیله تبلیغ شده و هرکس بخواهد اسمش بیشتر مطرح شود بیشتر انصراف می‌دهد، چون بعضی از شاعرانی که انصراف دادند کتابشان اصلاً جزو کتاب‌های راه یافته به جشنواره نبود و فقط خواسته‌اند به این وسیله اسمشان را بیشتر سرزبان‌ها بیندازند.

برش

از شبی که اختتامیه جشنواره شعرفجر همزمان با مسابقات فوتبال استقلال و پیروزی برگزار شد، کدام شبکه رادیو و یا تلویزیون به این اتفاق مهم فرهنگی اشاره کرده، اما شخص من از ساعت ۱۶ شنبه تا ساعت ۲۴، بیش از ۴۰ بار خبر پیروزی استقلال و پیروزی را با جزئیات شنیدم

◆ فکر می‌کنید چرا «به رنگ دانوب» مورد توجه داوران قرار گرفت؟

این را باید از داوران پرسید، اما در گذر زمان تجربه به شاعر کمک می‌کند. شاید شاعر در ابتدا به این فکر کند از چه بگوید که مردم دوست داشته باشند و به چشم آن‌ها زیبا باشد، اما با گذشت زمان شاعر دیگر به «چه بنویسم» فکر نمی‌کند، سعی می‌کند باورهایش را بنویسد و اگر شاعر در این مرحله صادق باشد، راه را درست رفته و شعر خوبی می‌سراید. این مجموعه شعر شامل سه بخش آخرین روزکودکی، لکنت و سرمستی و ۷۰ شعر است. من به عنوان یک شاعر بهترین قاضی برای اشعارم هستم و می‌دانم شعر من چه جایگاهی دارد . شاید من بدانم کسی که اشعار من را قضاوت کرده، عادلانه و منصفانه این کار را انجام داده یا مغرضانه. هدف من از سرودن همین است، نوشتن از چیزی که به آن باور و ایمان دارم . من هیچ‌وقت برای خوشامد طیف و یا فرد خاصی شعر نگفته‌ام و شاید این صداقت بر دل نشسته است.

◆ مجموعه شما، مجموعه شعر نوفارسی است. در جشنواره آثارنو با آثاری که در قالب‌های کلاسیک سروده می‌شوند، در یک بخش داوری می‌شوند. به عنوان شاعر برگزیده راجع به این نوع داوری چه نظری دارید؟

شعرنو و شعر کلاسیک باید در دو بخش مجزا داوری شوند. من فکر می‌کنم دوران شعرکلاسیک تمام شده و این طور حس می‌کنم که بزرگانی مثل مولانا، حافظ، عطار و سعدی شعر کلاسیک جهان را به اوج خودش رسانده‌اند و آن دوران شعرکلاسیک تمام شده است. از طرفی شعرنو هم برای این به وجود آمد تا قالب‌ها شکسته شود و شاعر آزادانه شعر بگوید، اما می‌بینیم عده‌ای به اصطلاح شعرنو می‌نویسند و قالب‌ها را شکسته‌اند، اما محتوا را نشکسته‌اند و محتوا همان شمع و گل و پروانه است. تکلیف این دسته از شاعران روشن نیست. این شاعران به اصطلاح شعر سپید و نو می‌گویند، اما هنوز بند مفاهیم کلاسیک هستند. به هر حال در جشنواره باید این دو قالب تفکیک شود و این‌طور نباشد من با شاعری که شعرکلاسیک می‌گوید هر دو برگزیده اول یک جشنواره شویم و من از چنین انتخابی تعجب کنم.

◆ چطور شد به شعر علاقه‌مند شدید و مسیر شاعری را انتخاب کردید؟

من از کودکی اهل کتاب و مطالعه بودم و پدرم من را این‌طور تربیت کرده بود. مطالعه را دوست داشتم و عاشق شعر بودم، اما فکر نمی‌کردم روزی بتوانم شاعر شوم. در ۲۰ سالگی تصادفی کردم که از آن زمان من را ویلچرنشین کرد. سال‌ها بدون حرکت در رختخواب بودم و پس از چهار سال با معالجه‌های متعدد، وضعیتم بهتر شد. آن سال‌ها فقط کتاب می‌خواندم. پس از آن بود که احساس کردم دوست دارم بنویسم و از همان زمان سرودن من شروع شد. خوشحالم این اتفاق موجب شد با دنیای زیباتری به نام دنیای شعر آشنا شوم. از همان زمان‌هایی که می‌نوشتم اساتید به خانه ما می‌آمدند حرف‌های آن‌ها را شنیدم و آویزه گوش کردم . شعر می‌نوشتم و برای اساتید می‌خواندم و آن‌ها هم نقد می‌کردند. از همان آغاز نوشتن متوجه شدم چه نوع شعری خوب است، چه حرف‌هایی باید گفته شود و به عنوان یک شاعر چه‌طور باید زندگی و فکر کنم تا بتوانم شعر خوبی بنویسم. همه این‌ها به من کمک کرد تا امروز توانستم به جایی برسم که متوجه شوم سخنی شعر است که در ناهوشیاری شاعر سروده می‌شود و خواننده را در هوشیاری ویران می‌کند.

◆ شما به عنوان شاعری واقع‌گرا شناخته شده‌اید که به اطرافتان نگاه می‌کنید و شاعری ذهن‌گرا و فرورفته در خود نیستید. این واقع‌گرایی از کجا وارد شعر شما شده است؟

از جهان‌بینی که در من متولد شده و رشد کرده است. این جهان‌بینی یکروزه به دست نیامده و این نوع سرودن، تصمیم شاعر نیست. تجربه‌ها سال‌ها در شاعر ته‌نشین و در اثرش متبلور می‌شود. به من می‌گویند در شعرم درگیر خیال‌پردازی می‌شوم، اما از لحظه‌ای که رؤیاهای من به روی کاغذ می‌آیند، دیگر رؤیا نیستند بلکه بخشی از واقعیت‌هایی هستند که من را به عنوان شاعری رئالیست معرفی می‌کند. خیال و رؤیا بخشی از زندگی هر آدمی است به خصوص اگر آن فرد، شاعر و هنرمند باشد.

◆ سرودن شعر و شاعری دغدغه اصلی شماست و یا مانند بسیاری از شاعران به عنوان یک سرگرمی و فراغت به آن توجه دارید؟

من نمی‌گویم شعر بخشی از زندگی من است، بلکه زندگی بخشی از شعر من است و کاملاً مخالف کسانی هستم که با افتخار می‌گویند نویسندگی شغل دوم آن‌هاست و مواقع فراغت به سرودن و نوشتن مشغول می‌شوند. هیچ نویسنده و شاعری حق ندارد به مقوله نوشتن این‌طور نگاه کند. با این حال، عشق و زندگی من نوشتن است. زندگی می‌کنم تا برای شعرهایم سوژه پیدا کنم، نه اینکه زندگی می‌کنم تا اگر فرصتی پیش آمد، بنویسم و بسرایم.

معیشت من از راه نوشتن و سرودن می‌گذرد و شغل دیگری ندارم، چون نمی‌توانم غیر از نوشتن کاری کنم. در همه این سال‌ها به مدت سه ماه نوشتن را کنار گذاشتم و در یک کار تجاری با دوستم شریک شدم، با آنکه درآمد خوبی داشتم و وضعیتم تغییر می‌کرد، اما نتوانستم به این کار ادامه دهم و از شراکت صرف‌نظر کردم، چون «واهه»ای که باید باشم، نبودم.

معرفی برگزیدگان چهاردهمین دوره جشنواره شعر فجر

ادب و هنر: اسامی برگزیدگان چهاردهمین جشنواره شعر فجر در بخش‌های مختلف به این شرح معرفی شدند:

بخش «شعر کودک و نوجوان»

این بخش با داوری محمدگودرزی دهریزی، انسیه موسویان و حامد محقق، دو اثر «دل تو برد شرط را» سروده فاطمه سالاروند از نشر پیدایش و «مگر لب زیپ دارد» سروده غلامرضا بکتاش از انتشارات امیرکبیر را شایسته تقدیر دانستند.

بخش «شعر بزرگسال»

این بخش با داوری حمیدرضا شکارسری، زهیر توکلی و عبدالحمید ضیایی، دو اثر «به رنگ دانوب» سروده واهه آرمن از نشرچشمه و «را را» سروده پانته‌آ صفایی از انتشارات فصل پنجم را به صورت مشترک به عنوان آثار برگزیده انتخاب کردند.

بخش «درباره شعر»

این بخش با داوری محمدکاظم کاظمی، بهزاد خواجات و عیسی اَمَن‌خانی، یک اثر «کتاب چهارخطی» (کند و کاوی در تاریخ رباعی فارسی) نوشته سیدعلی میرافضلی از انتشارات سخن را به عنوان اثر برگزیده انتخاب کردند.

یادداشت

annotation@qudsonline.ir
محمدکاظم کاظمی، شاعر، منتقد و پژوهشگر

دیده شدن جریان‌های شعر امروز در جشنواره چهاردهم

چهاردهمین جشنواره بین‌المللی شعرفجر سرانجام پس از فرازوفرودهای بسیار به ایستگاه پایانی خود رسید.

این جشنواره از همان بامداد صبح پس از افتتاحیه اصفهان، با شهادت سردار حاج قاسم‌سلیمانی به طرز ویژه‌ای با مسائل روز پیوند خورد. محفل شعر«نگین سلیمانی» در کرمان ادای‌دین جشنواره به سردار بود.

پس از آن واقعه سیل سیستان‌وبلوچستان رخ داد و برگزاری اختتامیه جشنواره در زاهدان در ۱۲ بهمن ۹۸ انجام وظیفه جشنواره نسبت به این مردم صبور و محروم بود، چیزی که باید پیشتر و بیشتر از این‌ها اتفاق بیفتد. انسان باید به این مناطق برود تا بداند محرومیت چیست، تا بداند خانواده‌ای که یکی دو قوطی کنسرو لوبیای اهدایی را در دیگ بزرگ آب جوش می‌ریزد تا «برکت کند» و شکم خانواده‌ای را سیر کند، در نبود این دو قوطی کنسرو چه می‌کرده است. تا بداند درس‌خواندن در مدرسه‌ای که هیچ امکاناتی ندارد و تازه سقف آن هم دارد می‌ریزد، یعنی چه؟ عباسعلی سپاهی‌یونسی که حضور در اختتامیه جشنواره را در عین حال بهانه‌ای برای بازدید از آن مناطق ساخته بود، از این دست روایت‌های دردناک بسیار داشت.

اما فراز و فرودهای جشنواره محدود به این‌ها نبود. حاشیه‌های رسانه‌ای هم از مطلع تا مقطع جشنواره همراه آن بود. در یک مرحله کسانی به اتهام دولتی‌بودن و سیاسی‌بودن جشنواره، بحث انصراف و تحریم را پیش کشیدند و ماجرا به رسانه‌های خارجی کشید و حرف‌های غیرمنصفانه‌ای گفته شد.

از این قبیل که در فلان سال دبیر جشنواره نزدیک به فلان جناح‌سیاسی است. ولی یکی نبود از نویسنده آن مطلب در فلان سایت رسانه‌بیگانه بپرسد تو که دبیری علیرضا قزوه را دیدی، دبیری محمدعلی بهمنی و عبدالجبار کاکایی را ندیدی؟ ولی جالب این بود که در نهایت کتابی از نشرچشمه و کتابی از فصل پنجم (در دو گوشه طیف این رنگین‌کمان) به طور مشترک جوایز بخش شعر بزرگسال را گرفتند.

اما بخش جالب و البته ناگوار قضیه این بود که پس از اعلام نتایج، بعضی رسانه‌های داخلی، از برگزیده شدن شاعر جوانی که با نظام و ارزش‌های آن زاویه دارد، گله کردند و البته گله و انتقادشان را پیش از اینکه به صورت سازنده با دست‌اندرکاران در میان بگذارند و علاج واقعه پیش از وقوع کنند، رسانه‌ای کردند آن هم با لحنی که سزاوار یک گفتمان درون نظام نیست. در نهایت کار به آنجا کشید که اعلام نتایج نهایی یک بخش از جشنواره به پس از اختتامیه افتاد و خللی در کار پدید آمد و هزینه‌هایی مادی و معنوی برای جریان شعر امروز و جشنواره فجر ایجاد شد.

اما صرف‌نظر از همه این پیشداوری‌هایی که گروه اول کردند، نتایج جشنواره نشان از وسعت‌نظر دست‌اندرکاران داشت و جریان‌های مختلف شعر امروز در آن دیده و مطرح شدند.

اما در بخش «درباره شعر» که من از داوران آن بخش بودم، گفتنی است، به نظر می‌رسد نقد و پژوهش در حوزه شعر باید بیش از این و با جدیت بیشتری دنبال شود. ما بیش از حد لازم در حوزه سرایش شعر و کمتر از حد لازم در حوزه نقد و پژوهش فعالیم. البته می‌دانم قرار نیست تعداد شاعران و منتقدان برابر باشد، ولی تناسب بهتری باید میان این‌ها برقرار باشد، به خصوص که در حوزه نقد و پژوهش معیارهای علمی‌ای باید رعایت شود که بسیاری از کتاب‌ها از آن‌ها فاصله دارند. درست است که نامزدها و برگزیدگان این بخش شایسته این مقام بودند، ولی این‌ها از میان دایره وسیعی از آثار شایسته انتخاب نشدند، بلکه آثاری که از همه نظر شایسته این مقام بودند، پرشمار نبودند. البته این قضیه بیش از اینکه به جشنواره برگردد، به فضای نقد و پژوهش درباره شعر برمی‌گردد.

این جشنواره هم تمام شد و امیدواریم که در جشنواره‌های آینده، هم دست‌اندرکاران دقیق‌تر، هم منتقدان منصف‌تر و هم شاعران و پژوهشگران تواناتر از همیشه باشند.

تازه‌های نشر

در حاشیه جشنواره شعرفجر انجام شد

رونمایی از کتاب «با اهل انجمن»

عباسعلی سپاهی‌یونسی: در حاشیه آیین اختتامیه چهاردهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر که با حضور وزیر ارشاد و در سینما هلال زاهدان برگزار شد، از کتاب «با اهل انجمن» رونمایی شد.

در این کتاب جوادمحقق به عنوان شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار سراغ ۲۳ شاعری رفته که در این سال‌ها از گردانندگان جلسات ادبی کشور بوده‌اند. محمد اکرامی‌فر، اکبر اکسیر، محمدعلی بهمنی، مصطفی رحماندوست، عباسعلی سپاهی‌یونسی، عبدالجبار کاکایی، علیرضا قزوه و محمدباقر کلاهی اهری جمعی از شاعرانی هستند که جوادمحقق در قالب کتاب «با اهل انجمن» سراغ آن‌ها رفته و از تجربه‌های ۲۱ شاعر بزرگسال و دو شاعر کودک و نوجوان در حوزه اداره کردن جلسات شعری پرسیده است.

در بخشی از مقدمه این کتاب آمده است: «این کتاب راه و رسم انجمن‌داری و مهارت و ظرفیت‌های حضور در حوزه شعر و شاعری است که به تجربه حاصل شده و در آن نشانه‌های فراوانی برای رهروان این راه وجود دارد تا بتوانند این مسیر طولانی را با تلفات و صدمات کمتر مدیریت کنند و طول عمر و تداوم بیشتری به آن ببخشند و خطراتش را به خاطراتی عبرت‌آموز بدل سازند.

شاعر امروز نیاز دارد که اوضاع شعر و شاعری و چگونگی تأسیس و تداوم محافل شعری پیشینیان را بداند و از آن‌ها در جهت تکمیل و تکامل جمع‌های ادبی حاضر بهره بگیرد و این میراث ماندگار را با افزوده‌های علمی و عملی خویش به آیندگان بسپارد».

لازم به ذکر است، کتاب «با اهل انجمن» در قالب یک‌هزار نسخه به همت بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان در نشر عصرداستان به چاپ رسیده است.

شعر کودک و نوجوان

غلامرضا بکتاش، شاعر برگزیده بخش شعر کودک و نوجوان:

همدلی شاعران زیرسایه جشنواره شعر فجر محقق می‌شود

عباسعلی سپاهی‌یونسی: غلامرضا بکتاش توانست با اثر «مگر لب زیپ دارد» در بخش «شعر کودک و نوجوان» چهاردهمین دوره جشنواره شعر فجر به همراه فاطمه سالاروند با اثر «دل تو برد شرط را» شایسته تقدیر شود.

این شاعر در گفت‌وگو با ما درباره کیفیت جشنواره امسال گفت: من در برخی از دوره‌های قبل به عنوان داور در جشنواره بوده‌ام، اما در اختتامیه‌ها حضور نداشتم، ولی به نظرم نقطه عطف جشنواره امسال برگزاری اختتامیه در استان سیستان‌وبلوچستان و شهر زاهدان بود که نشان از همراهی و همدلی جشنواره با سیل‌زدگان این استان بود. درباره کیفیت شعرها هم وقتی می‌توانم نظر بدهم که همه شعرها را خوانده باشم.

بکتاش با بیان اینکه جشنواره شعرفجر با رعایت اصولی می‌تواند بر جریان شعر کشور مؤثر باشد، معتقد است: جریان شعرفجر جریانی است که شاعران خلاق و مبدع آن را به وجود آورده و بقای آن را تضمین می‌کنند و به آن ارزش می‌دهند. این جشنواره را شاعرانی تعالی می‌بخشند که مطالعه و تلاش می‌کنند خوب بسرایند و این می‌تواند الگویی برای شاعرانی باشد که قدم در راه شعر و وادی ادبیات گذاشته‌اند.

وی توضیح داد: اگر دبیرخانه جشنواره در طول سال فعالیت‌هایی ذیل عنوان این جشنواره داشته باشد حتماً می‌تواند به نتایج بهتری برسد. حمایت جشنواره از شاعران جوان حرکتی روبه رشد برای اعتلای ادبیات و فرهنگ است که در دوره‌های مختلف شاهد آن بوده‌ایم.

شاعر«در دلم دریا بریز» در پاسخ به این پرسش که تقدیر شدن در جشنواره شعر فجر چه تأثیری در ادامه مسیر شاعری او خواهد داشت، گفت: انسان به حکم انسان‌بودن دوست دارد دیده شود، اما شاعری که در جشنواره دیده می‌شود نباید با این تقدیرها فکر کند که بهترین شاعر کشور است. شاعر موفق شاعری است که بی‌چشمداشت می‌سراید چون چشمداشت به جوایز موجب می‌شود به بیماری «سفارشی‌نویسی» مبتلا شود. من خوشحالم که نتیجه زحماتم دیده شد، اما این تمام هدف من نیست. باید خواند، سرود و توقف نکرد.

بکتاش با بیان اینکه جشنواره شعر باید از همه ظرفیت‌ها در اتحاد و همدلی شاعران استفاده کند، توصیه‌ای به بانیان و برگزارکنندگان جشنواره کرد. وی گفت: هر جشنواره و هر حرکتی قابل نقدکردن است، اما باید گرایش‌های مختلف شعری دست به دست هم بدهند و جشنواره را کمک کنند تا حاصل جشنواره رشد و تعالی شعر باشد. جشنواره شعر فجر می‌تواند جاده‌ای برای رسیدن به تفاهم، همدلی و همراهی شاعران و فرصتی برای ایده‌های ناب و تجربه‌های تازه باشد. جوان‌ترها کنار پیشکسوت‌ها شاگردی کنند و بیاموزند و همه این‌ها می‌تواند زیر چتر شعرفجر اتفاق بیفتد.

زاویه دید

داور بخش شعر بزرگسال چهاردهمین جشنواره فجر:

داوری قالب‌های شعری جدا باشد

جواد شیخ‌الاسلامی: کتاب‌های برگزیده در جشنواره شعرفجر همیشه آینه شعر ما در سال گذشته و نمونه‌ای برای شعر کشور در سال آینده است. به همین دلیل اطلاع از کم و کیف آثار بررسی شده در این جشنواره همواره مورد توجه و اهمیت بوده است.

حمیدرضا شکارسری از داوران بخش شعر بزرگسال جشنواره شعرفجر درباره کیفیت مجموعه‌های شعر این دوره جشنواره شعرفجر، گفت: ما مثل هر سال شاهد کتاب‌های خوبی در قالب‌های کلاسیک و نو بودیم و البته در کنار این‌ها با کتاب‌های بسیار ضعیف و همچنین تعداد زیادی از کتاب‌های باکیفیت متوسط، روبه‌رو بودیم.

شکارسری با بیان اینکه نباید هر سال در انتظار یک انقلاب بزرگ در ادبیات و شعر باشیم و این انتظار بسیار آرمان‌گرایانه است، ادامه داد: امسال شاهد یک تحول عظیم، ظهور و بروز فرم و ساختارهای عجیب و پیچیده و یا چیزی از این قبیل نبودیم، اما با توجه به تعداد آثار خیلی خوب، مثل سال‌های قبل، کار انتخاب نهایی بسیار دشوار شد، چون فاصله بین آثاری که به مرحله نهایی رسیده بودند خیلی‌کم بود. در نتیجه خواسته یا ناخواسته بخشی از مسئولیت انتخاب کتاب‌های برگزیده با توجه به ذوق داوران انجام شد و خوشبختانه چون داوران از نحله‌های مختلف فکری بودند و هر کدام در قالب‌های مختلف شعری دارای تجربه بودند، با بحث و بررسی‌های طولانی گزینش نهایی نزدیک به صواب بود.

باید به انتقادها توجه کرد

داور جشنواره شعر فجر در پاسخ به نقدهایی که به محدود بودن آثار برگزیده در جشنواره شعر فجر در سال‌های اخیر مطرح می‌شود، بیان کرد: ما با دو مسئله مواجه هستیم. نخست داوران باید براساس آیین‌نامه و اساس‌نامه جشنواره عمل کنند و در نتیجه یک یا در نهایت دو کتاب به عنوان اثر برگزیده انتخاب شوند و مسئله بعدی این است که جشنواره شعرفجر، جانشین انتخاب کتاب سال شده است .

در انتخاب کتاب سال هم نمی‌توانیم تعداد برنده‌ها را زیاد کنیم، چون هدف جایزه کتاب سال، فرهنگ‌سازی برای شعر سال بعد است. اگر نقدی به جشنواره شعرفجر وارد است به دلیل جانشینی شعرفجر بر جایزه کتاب سال است.

شکارسری در ادامه افزود: اتفاقاً امسال گروه داوری به نقدهایی که به داوری سال‌های پیش شده بود توجه داشت و ما هم به مسئولان برگزاری و اتاق فکر جشنواره اعلام کردیم که باید داوری قالب‌های شعری جدا باشد و کتاب‌ها در قالب‌های مختلف شعری بررسی شوند. به هر حال هر چند که جشنواره شعرفجر جانشین کتاب سال در بخش شعر شده، اما این مسئله به سال‌های گذشته برمی‌گردد و باید این نقص برطرف شود.

این شاعر و منتقد اظهار امیدواری کرد با پیشنهادهای داده شده هیئت‌داوران به مسئولان جشنواره، جشنواره شعرفجر در سال‌های آینده با تغییرات مثبتی روبه‌رو شود و بتواند نظر شاعران را جلب کند.